

# نقش جریان های سلفی در سوریه و فلسطین در مصاحبه با شیخ عبدالله کتمتو



نقش جریان های سلفی در سوریه و فلسطین در مصاحبه با شیخ عبدالله کتمتو

شیخ عبدالله کتمتو، رئیس انجمن دوستی ایران و فلسطین و امام جماعت مسجد الوسیم دمشق و نائب رئیس اتحادیه علمای اهل سنت شام کسی است که از رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران به عنوان بهترین جانشین برای امام خمینی یاد می‌کند و می‌گوید: «بنده هر سال در کنفرانس‌های تهران شرکت می‌کنم و سخنان امام خامنه‌ای را می‌شنوم. ایشان همه دغدغه‌های امام خمینی را دارد و تجربه‌های خود را نیز به آن افزوده است. امام خامنه‌ای صلابت و استحکام اراده را به ما آموخت. انقلاب اسلامی ایران هر روز در زمینه‌های مختلف قدرتمندتر شده و در زمینه‌های انسانی نیز بسیار خوب عمل می‌کند». ایشان در یکی از روزهای زمستان 1393 مهمان مؤسسه دارالاعلام لمدرسة اهل البيت عليهم السلام بودند و ضمن بازدید از این مؤسسه در جمع دانش‌پژوهان حاضر شدند و به پرسش‌های آنها پاسخ گفتند، که متن حاضر حاصل این گفت‌وگو است.

لطفا خودتان را معرفی بفرمایید؟

من دکتر عبدالله کتمتو، جانشین ریاست اتحادیه علمای شام و جانشین مرحوم دکتر محمد سعید رمضان البوطی در مسائل فلسطین هستم. بنده در دانشگاه در رشته عقاید مقارن درس خواندم و در فقه مقارن تحصیلاتم را کامل کردم، و رساله دکترایم در موضوع العقيدة الاسلامية و أثرها فی النفس والمجتمع است. کار من در اتحادیه، روابط خارجی میان اتحادیه علمای شام و دیگر کشورها است و همچنین ارتباط مجامع فقهی با اتحادیه را بنده برقرار می‌کنم. علاوه بر این، امام جمعه منطقه مخیم یرموک [1] هستم؛ منطقه ای است که فلسطینیان در آن ساکن اند و تعداد کمی از سوری ها نیز در آن سکونت دارند.

شنیده ایم شما مسئول جمعیت دوستی فلسطین و ایران هستید. لطفاً کمی در این باره توضیح دهید؟

حدود 7 سال است که جمعیت دوستی فلسطین و ایران را راه اندازی کرده ایم. هدف از تأسیس این جمعیت ارتباط دو ملت با یکدیگر است و این ارتباط فقط اختصاص به افراد سیاسی و شخصیت ها ندارد. چون به اعتقاد ما زمانی که ملت ها با یکدیگر ارتباط داشته باشند، بسیاری از مسائل حل می شود و به اهدافمان می رسیم. از جمله کارهایی که در این جمعیت دوستی انجام می دهیم این است که تمام مناسبت های دینی را به پا می داریم و همچنین مناسبت های سیاسی را، که اختصاص به دو ملت فلسطین و ایران دارد، نیز بر پا می داریم. مثلاً در روز پیروزی انقلاب اسلامی ایران ما در سوریه مراسم هایی در جاهای مختلف برگزار کردیم و به نظر ما پیروزی انقلاب اسلامی همان پیروزی فلسطین است.

شما در میان فلسطینیانی زندگی می کنید که در سوریه نزدیک به حرم حضرت زینب س هستند. اعتقاد آنها به حفظ حرم حضرت زینب س در مقابل حملات تکفیری های داعش چگونه است؟

در بحث حمایت از حرم حضرت زینب س، نیروهای فلسطینی در حمایت از این حرم نقش بسزایی داشتند و درب ورودی دوم حرم حضرت زینب س به سمت محل زندگی فلسطینیان بود که اگر آن منطقه سقوط می کرد تکفیری ها حرم حضرت را نابود می کردند و در آن جنگ میان فلسطینیان و داعش حدود 52 نفر شهید شدند و در راه خدا و در حمایت از حرم حضرت زینب س جان خود را فدا کردند.

### چه جریان های فکری- مذهبی در سوریه و فلسطین وجود دارد؟

در سوریه، فلسطین و اردن، که به بلاد شام معروف هستند، بیشترین جریان و اولین جریانی که ظهور پیدا کرد، جریان اخوان المسلمین است. بعد از آن، جریان سلفی ظهور پیدا کرد و سپس گروه های جهادی و تکفیری به وجود آمدند و بعد از آن جدیدترین جریانی که ظهور پیدا کرد، داعش است. سبب ظهور این جریان ها، این است که امت اسلامی دوست دارد تاریخ اسلامی خودش را برگرداند. به همین علت است که در زمان ظهور جریان اخوان المسلمین، آنها می گفتند ما می خواهیم دولت اسلامی را برگردانیم و این کلمه و حرف فی ذاته حرف درستی است. در حقیقت هر مسلمانی در هر مکانی به آن احتیاج دارد.

با وجود درست بودن اهداف جریان هایی مثل اخوان المسلمین، علت انحرافات آنها چیست؟

متأسفانه جریان اخوان المسلمین (به جای پای بندی به عقاید خود و عمل به آن) بعد از مدتی از تشکیلش وارد جریان های سیاسی شد و هر روز می بینیم که به سمت و سوی حرکت می کنند و نمونه آن گرایش هایشان به غرب است. البته بنده نمی گویم که تمام افراد اخوان با انگلستان ارتباط دارند، بلکه شمار فراوانی از آنها به این گمان که می خواهند دول اسلامی بر پا کنند این فعالیت ها را دارند.

آیا جریان حماس در فلسطین هم بخشی از اخوان المسلمین هستند؟ هدف از تشکیل این جریان چه بود؟

بله در فلسطین، جریان حماس، به تمامه اخوان المسلمین هستند و زمانی که ظهور پیدا کردند به دنبال دو مطلب بودند: 1. برگرداندن هویت اصلی اسلام؛ 2. آزادسازی فلسطین. آنها در این دو مطلب صادق و راست گو هستند اما با ورودشان در بحث سیاست و در مجلس شورای حماس و ورود این حرکت در بازی ها و توازنات سیاسی، که عربستان، قطر، مصر و ارتباطات دولت ها در آن سهیم است، باعث شد فعالیت های سیاسی خود را از هر جهت تقسیم کنند. این مسئله تفاوت میان انقلاب فلسطین و انقلاب امام خمینی! را نشان می دهد.

### لطفاً درباره این تفاوت بیشتر توضیح دهید؟

امام خمینی! می گفتند نه شرقی و نه غربی. این شعار را هنوز هم خیلی از مردم درک نکرده اند، اما کسانی که وارد بازی های سیاسی می شوند، بر توازنات سیاسی شرط بندی می کنند و این امر باعث شد که انحرافی در بعضی جریان های اسلامی در منطقه شام و عربی و اسلامی ایجاد شود؛ این حالت است که زمینه را برای جریان سلفی آماده کرد و نمونه بارز آن جریان اخوان است که با ورود به جریان های سیاسی از دین به دور شدند و از این جهت جریان سلفی ای ظهور پیدا کرد با این شعار که «لا حکم إلا لله». انتشار جریان سلفی (داعش) در منطقه شام نیز از سویی ناشی از انحرافی است که در فکر و جریان اخوان المسلمین است و از سوی دیگر برآمده از کمک های مالی فراوانی که این جریان را پشتیبانی می کرد و آن دولت عربستان است. در ابتدا یکی از شروط جریان های سلفی این بود که وارد مسائل سیاسی

نشوند و هدفشان فقط تصحیح عقاید و افکار باشد. اما، همان طور که می دانیم، مثل اخوان یک وجه سیاسی پیدا کردند (و وابسته به دول خارجی شدند)، همان طور که دولت سعودی با کمک انگلستان حمایت و تأسیس شد. [2] انگلستان در منطقه نقش مهمی برای خودش در نظر گرفته است.

انگلستان چگونه این کار را انجام داد، آیا شواهدی هم بر این موضوع وجود دارد؟ انگلستان، سرزمین سعودی را با کمک دو جریان بنا نهادند: 1. جریان آل سعود؛ و 2. جریان آل الشیخ، که معروف به وهابیت هستند. جریان آل سعود، جانب سیاسی را به عهده گرفت و آل محمد بن عبدالوهاب جانب دین را؛ و در نهایت این جریان ها کاری جز امری که به آنها در منطقه سپرده شده و به آن علت به وجود آمده اند ندارند. هر کسی که به تاریخ شکل گیری عربستان سعودی مراجعه کند می بیند که مملکت سعودی از طریق لورانس انگلستان پایه گذاری شده است و همین شخص است که به دربار سعود مشاوره هایی می دهد. از جمله شواهد این مطلب، شخصیتی سعودی به نام ناصر السعید است که کتابی به نام *تاریخ آل سعود* نوشت که در آن ادله ای را ذکر کرده است و از طرف دیگر وقتی که منطقه عربی بین فرانسه و انگلستان تقسیم شد می بینیم که با تقسیم این مناطق چه کسانی به این اشخاص این مسئولیت ها را دادند. حکومت عربستان را به آل سعود و همچنین مسئولیت حکومت اردن را به شخصیتی که ادعای هاشمی نسبی می کند دادند.

به نظر شما چه چیزی در ظهور جریان های سلفی معاصر نقش داشته است؟ آنچه در ظهور جریان های سلفی تأثیرگذار بوده، جریان های اخیری است که در افغانستان رخ داد، مثل خروج عبدالله عزام فلسطینی، کسی که پایه کُشت و کشتار را در افغانستان نهاد و گفته است آزادی فلسطین از افغانستان شروع می شود. وی در افغانستان احزاب بسیاری تأسیس کرد که در فکر رؤیای جامعه اسلامی و حکومت اسلامی هستند و پیروزی آنها علیه روسیه ملحد در افغانستان، فتح بابی شد در کشورهای عربی، بر این مبنا که دولت های عربی مسلمانی که قصد رهایی از استعمار را دارند گفتند همان طور که افغان العرب بر روسیه پیروز شد ما نیز می توانیم با این فکر بر یهود پیروز شویم. این نگرش، از جمله نگرش هایی بود که در پیشروی جریان های سلفی مؤثر بود. چون هر مظلومی را که در منطقه می دیدند این نگرش را در پیشروی تفکرات اسلامی و ... مؤثر می یافتند.

چه چیز سبب شد تمام پیروزی هایی که در افغانستان رخ داد، به نفع آمریکا باشد، نه به نفع مسلمانان؟

چون آمریکا بود که در اصل از این گروه ها و جریان های سلفی حمایت می کرد، البته نه به دلیل علاقه آمریکا به این جریان ها، بلکه به این دلیل که این گروه ها به جای آمریکا در افغانستان (در مقابل شوروی سابق) بجنگند. به این جنگ ها، جنگ های سرد گفته می شود که با خون، جان و مال مسلمانان است و به نفع آمریکا.

کدام یک از این جریان های سلفی موجود در فلسطین مورد تأیید شماست؟ تمام این جریان های موجود، یک زاویه ایجابی در ظاهر خود دارند اما در زاویه دیگر و زمانی که وارد جریان های سیاسی شدند به کشورهایایی که از خارج آنها را حمایت می کردند رجوع داشتند. برای مثال، اخوان المسلمین چنین است.

آیا منشأ این افکار و جریان ها سید قطب است؟ منشأ این افکار و جریان ها شخصیت های مختلفی هستند که سید قطب یکی از آنهاست.

ابوالاعلی مودودی و عبدالله عزام نیز از دیگر منشأهای این جریان ها هستند.  
جریان های سلفی اسلامی، (مثل داعش، جبهة النصره، حماس و ...) چه  
تأثیراتی بر جهان اسلام دارند؟

مثالی که برایتان می زنم در خصوص حماس است آنها زمانی که به سوریه آمدند دفتری را در منطقه یرموک سوریه افتتاح کردند و تمام مردم فلسطین را مخاطب خود قرار می دادند و می گفتند ما یک جریان اسلامی هستیم و برنامه هایی برای مقابله با اسرائیل داریم؛ و اگر این برنامه ها به هر یک از شما گفته شود، می گوئید ما هم با شما هستیم. چون ما از سویی اسلام را می خواهیم و از سوی دیگر از بین رفتن اسرائیل را خواستاریم. از این طریق می بینیم که بر بیشتر مناطق فلسطین سیطره پیدا کردند. حتی می بینیم که بعضی از شیعیان و مارکسیست هایی که در آنجا بودند نیز به حماس می گفتند که با شما هستیم. این اسباب بود که این جریان را وارد مناطق فلسطین کرد. اما زمانی دیدیم که حماس در مقابل اسرائیل به گفت وگو پرداخت و (از مواضع اولیه خود) روز به روز عقب نشینی کرد. لذا قبل از خروج خالد مشعل از سوریه و اعلام موضع خود درباره سوریه، بسیاری از مردم در خصوص روش ایشان قانع نبودند. چون میان نظر دادن و عمل کردن تفاوت بسیاری هست. تمام احزاب از حیث نظری خوب اند اما در عمل و تطبیق می بینیم که چیز دیگری هستند. لذا می توانم بگویم که هیچ جریان اسلامی و غیراسلامی در منطقه نمی تواند جریان برتری باشد که این مسیر و راه را بپیماید. اما می بینیم که در انقلاب اسلامی، میان آن اهداف اولیه در فکر و عمل تطبیق وجود دارد؛ و الان می بینیم جنگ شیعه و سنی ای که در منطقه راه انداخته اند، فقط و فقط برای جلوگیری [از گسترش انقلاب اسلامی] و مقابله با انقلاب اسلامی ایران است. چون می بینند تنها جریانی که نظریه و تطبیق را با همدیگر انجام داده است ایران و انقلاب اسلامی است.

دیدگاه فلسطینیان و جریان های سلفی آن در خصوص اهل بیت (چگونه است؟ آیا در فلسطین نواصب هم هستند؟

ناصبی شخصی است که با کشتن پیروان اهل بیت (به خداوند تقرب می جوید. با شناختی که بنده از تمام جریان های سیاسی، دینی و ... دارم، تاکنون نیافته ام که کسی در خصوص این مطلب که نواصب در آنجا وجود دارند چیزی گفته باشد. همچنین ما فلسطینی ها تابع امام شافعی هستیم و مردم فلسطین شافعی مذهب اند و شافعی خود می گوید: «حب آل البیت) بر ما واجب است و هر کس بگوید که حب آل البیت) از جمله کارهای روافض است، پس من رافضی هستم».[3] این موضوع در میان مردمان ما در فلسطین مشهور است. اما ناگفته نماند که بنده به طور حتم می توانم بگویم که مخالفان اهل بیت) و شیعه اصلاً در فلسطین وجود ندارند، هرچند در تمام گروه ها، جریان ها و ... افراد متعصب وجود دارد، همان طور که درون هر مذهبی افراد متعصبی نیز وجود دارند. مثلاً می بینیم در میان افرادی که خود را تابع اهل بیت) می نامند نیز افراد متعصبی وجود دارند و بنده دائماً می گویم همان طور که در افکار ما اهل سنت، سلفیان وجود دارند، در فکر شیعی نیز سلفیانی وجود دارند.

ما می شنویم که در غزه در روز 10 محرم (روز عاشورا) مراسم و محافل جشنی برگزار می کنند، یا اینکه مراسم عروسی های خود را در این روز قرار می دهند و از این طریق هتک حرمت به اهل بیت) می کنند و ... . آیا این مطالب گفته شده صحت دارد؟

تمام این مطالب گفته شده، تهمت و باطل است و این مطالب یک سری اسبابی دارد. از جمله

این اسباب، این است که در بحث عاشورا دو روایت وجود دارد: یکی روایتی است که مربوط به عاشورا و روز شهادت امام حسین عاست و ما قائل به این هستیم که قاتل امام حسین ع گناه کار است و به هیچ وجه و هیچ کجا نزد اهل سنت ندیدم که گفته باشند قاتل امام حسین عبه خاطر قصد قربت این کار را انجام داده است. همچنین درباره یزید، قاتل امام حسین ع، می گویند او زندیق بوده است و امام عادل و خلیفه به حقی نبوده است و شهادت امام حسین عرا ما پیروزی تلقی می کنیم نه شکست. روایت دومی هم در این باره وجود دارد و آن این است که در این روز خداوند حضرت موسی عرا از شر فرعون نجات داد. وجه اشتراک هر دو روایت پیروزی مظلوم بر ظالم است و نزد ما اهل سنت از این جهت و زاویه این روز را گرامی می داریم و هیچ دلیلی بر اینکه ما در این روز بخواهیم شادی و ... بکنیم وجود ندارد و اگر مراسم و جشنی گرفته شد، به خاطر کشته شدن امام حسین عنیست، بلکه به این جهت است که در مثل این روز و این تاریخ، حق بر باطل پیروز شده است. پس ما جشن می گیریم به خاطر پیروزی دین خداوند و پیروزی اهل الله بر اعداء آنها.

یعنی این جشن ها به خاطر شهادت امام حسین عنیست؟

اصلاً این گونه فکری وجود ندارد. بنده در خدمت شیخ طیبسی [4] بودم و به ایشان گفتم که لازم است گروه های مباحثه ای بین دو فرقه تشکیل شود که هر کدام مباحث را به صورت واقعی از یکدیگر بفهمند نه از طریق کتاب ها. چون از زمانی که استعمار بر ما چیره شد و با حمله مغول ها، خیلی از کتاب ها آتش زده شدند یا اینکه تحریف شدند. همچنین خیلی از روایات را حذف یا تحریف کردند.

با توجه به اینکه عده ای از مردم غزه به داعش پیوسته اند داعش تا چه اندازه در جذب مردم غزه و به دست آوردن قلوب آنها موفق بوده است؟

داعش از همه جا نیرو گرفته است و این امر مختص غزه نیست. حتی از ایران نیز عده ای به داعش پیوسته اند و این نشان دهنده این نیست که داعش توانسته است در میان ایرانیان محبوبیت پیدا کند. منتها با توجه به شعارهای فریبنده ای که داعش دارد عده ای گول این شعارها را خوردند و عده ای هم به خاطر مسائل مالی فریب خوردند و الا انسان های صاحب اندیشه به وضوح می فهمند که داعش فتنه ای است که به جان جهان اسلام انداخته اند.

می توانید به برخی علل نفوذ داعش در بین مردم اشاره کنید؟

داعشی ها در بین افراد ظاهربین چهره ای به حق و موجه برای خود درست کردند و نوعی وجهه عدالت اجتماعی برای خود ساختند. برای مثال، بنزین، گاز و گازوئیل را برای مردم ارزان کردند. مردم هم به دنبال نیازهای اساسی خود هستند. از سوی دیگر، با ایجاد رعب و وحشت در میان مردم در بین مردم رسوخ پیدا کردند و از این طریق مردم را مطیع خود قرار دادند. اینها از جمله اسباب انتشار داعش است.

از وقتی که در اختیار ما قرار دادید بسیار متشکریم.

## پاورقی ها

[1]. یرموک منطقه مسکونی فلسطینی نشین در دمشق پایتخت سوریه است. این منطقه یک «اردوگاه آوارگان غیررسمی» است که در ۱۹۵۷ تأسیس شد. در آن زمان این منطقه خارج از شهر دمشق قرار داشت، اما اکنون در محدوده شهرداری دمشق و در فاصله حدود ۸ کیلومتری مرکز شهر است. یرموک ۲,۱۱ کیلومترمربع مساحت و ۱۲۷۲۴۸ نفر جمعیت دارد که ۱۱۲,۵۵۰ نفر از آنها آوارگان فلسطینی هستند.

[2]. منظور ایشان تشکیل دولت سعودی در دوره سوم آل سعود در زمان عبدالعزیز است که با

کمک انگلستان از کویت به شبه جزیره آمد و حکومت عربستان سعودی را رسماً تأسیس کرد.  
[3]. «ان کان رفضاً حبّ آل محمد - فلیشهد الثقلان أنّی رافضی»؛ *روضات الجنات*، ج 7، ص 262.  
[4]. منظور آیت الله نجم الدین طیبسی است.